

پژوهشی در آیه مودت

<?xml encoding="UTF-8">

چکیده

جمله "قل لا اسالکم علیہ اجرا الا المودة فی القربی" ، که به آیه مودت موسوم است از آیاتی است که بر فضیلت اهل بیت پیامبر علیهم السلام و موقعیت ویژه آنان دلالت دارد. تمام مفسران شیعه و جماعتی از مفسران اهل تسنن "القربی" در این آیه را به خویشان پیامبر صلی الله علیه وآله تفسیر کرده و این آیه را از فضائل اهل بیت علیهم السلام آن حضرت به شمار آورده‌اند. روایات شیعه و سنی گویای آن است که منظور از "القربی" در این آیه، چهارنفر علی و فاطمه و حسن و حسین - صلوات الله علیهم - است. و در برخی روایات به نه امام معصوم علیهم السلام پس از ایشان نیز تطبیق شده است که می‌توان گفت آن چهار نفر تنزیل و مصادیق زمان نزول آیه و آن نه امام تاویل و مصادیق آینده آیه بوده‌اند. بر این اساس، این آیه دلیل وجوب مودت آن چهارده نفر بر عموم مؤمنان است. البته، فایده این مودت به خود مؤمنان عاید می‌شود؛ زیرا این مودت زمینه‌ساز هدایت آنان و مصون ماندن آنان از هر نوع ضلالت است. برخی، وجوه دیگری را در معنای مستثنای این آیه بیان کرده‌اند که آن وجوه هم با مفردات و ظاهر آیه کریمه مخالف است و هم با روایاتی که در تفسیر "القربی" وارد شده، ناسازگار است.

آیه مودت

"قل لا اسالکم علیہ اجرا الا المودة فی القربی" (شوری : 23) بگو : بر این [رساندن پیام] از شما مرز در خواست نمی‌کنم، جز دوستی با خویشانم.

این جمله بخشی از آیه 23 سوره "شوری" است که به لحاظ اشتغال آن بر کلمه "المودة" ، آیه "مودت" نامیده می‌شود؛ از جمله آیاتی است که بر فضیلت اهل بیت پیامبر و موقعیت ویژه آنان دلالت دارد و برخی آن را یکی از ادله امامت امیرمؤمنان علی علیه السلام به شمار آورده‌اند.

علامه حلی (1) در نهج الحق عنوان "آیه المودة" را در مورد این آیه به کار برده و آن را چهارمین آیه دال بر امامت حضرت علی علیه السلام قرار داده و در ذیل آن فرموده است : جمهور (اهل تسنن) در صحیحین (صحیح بخاری و صحیح مسلم) و احمد بن حنبل در مسندش و ثعلبی در تفسیرش از ابن عباس نقل کرده‌اند که فرمود : وقتی آیه "قل لا اسالکم علیہ اجرا الا المودة فی القربی" نازل شد، گفتند : ای رسول خدا، خویشانی که مودتشان بر ما واجب است چه کسانی هستند؟ فرمود : علی و فاطمه و حسن و حسین علیهما السلام. و وجوب مودت مستلزم وجوب اطاعت است. (2)

گرچه تمام مفسران شیعه و جماعتی از مفسران اهل تسنن "القربی" در این آیه را به خویشان پیامبر صلی الله علیه وآله تفسیر کرده و این آیه را از فضایل اهل بیت آن حضرت به شمار آورده‌اند و دلالت آن بر وجوب مودت با اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه وآله آشکار و غیرقابل انکار است، ولی از آن جا که برخی وجوه دیگری را نیز در

تفسیر آن ذکر کرده‌اند و ممکن است برای برخی منشا تردید در دلالت آیه گردد، لازم می‌نماید در قسمت مستثنای آیه پژوهشی انجام گیرد و با دقت در مفردات آیه و خصوصیات آن و با توجه به روایاتی که در تفسیر آن وارد شده، معنای آیه تبیین و وجوهی را که در معنای آن ذکر کرده‌اند، بررسی شود.

بررسی وجوه مستثنای آیه مودت

وجوهی را که در معنای مستثنای این آیه ذکر کرده‌اند عبارت است از :

1. "بر این تبلیغ مزدی از شما درخواست نمی‌کنم، جز دوستی با خویشاوندان نزدیکم." این وجه از امام علی بن الحسین و امام محمدباقر و امام جعفر صادق علیهما السلام و سعید بن جبیر و سدی و عمرو بن شعیب نقل شده و تمام مفسران شیعه و جماعتی از مفسران اهل تسنن آن را اختیار کرده‌اند. (3)
2. "مزدی از شما درخواست نمی‌کنم، جز دوست داشتن تقرب به خدا؛ یعنی دوست داشته باشید که با انجام عمل صالح و اطاعت فرمان خدا، به خدا تقرب بجویید" این وجهی است که گروهی آن را از حسن بصری نقل کرده‌اند. (4)
3. "مزدی از شما نمی‌خواهم، جز دوست داشتن من به خاطر قرابتی که بین من و شما وجود دارد." این وجهی است که از ابن عباس، قتاده، مجاهد، سدی، ضحاک، ابن زید و عطاء بن دینار نقل شده است. (5)
4. "هر سه وجه مزبور در معنای آیه کریمه صحیح است." این وجهی است که از کلام میبیدی استفاده می‌شود؛ زیرا پس از ذکر سه وجه یاد شده، گفته است: "والمعني الصحيح في الآية ما ذكرناه من اقاويل السلف." (6)
5. "از شما بر این تبلیغ مزدی نمی‌خواهم، جز این‌که بعضی از شما بعضی دیگر را دوست بدارد و با خویشاوندان آن صله و ارتباط داشته باشید." این وجه را شیخ طوسی با عنوان "قال بعضهم" ذکر (7) و ابو حیان و آلوسی از عبدالله بن قاسم نقل کرده‌اند. (8)
6. "از شما مزدی نمی‌خواهم، جز این‌که با عمل صالح و اطاعت‌ها به خدا تقرب بجویید." این معنا گرچه به معنای دوم نزدیک است، ولی غیر آن است و از این‌رو، شیخ طوسی آن را غیر از معنای دوم به شمار آورده و از آن با تعبیر "قال آخرون" یاد نموده (9) و آلوسی آن را از عبد بن حمید از حسن نقل کرده است. (10)

معنای صحیح آیه مودت

معنای صحیح آیه کریمه همان وجه اول است؛ زیرا این معنا، هم با ظاهر مفردات آیه کریمه سازگار است و هم با روایاتی که در بیان معنای "القربی" در کتاب‌های شیعه و سنی آمده، هماهنگ می‌باشد. بر این مدعا، از دو طریق می‌توان استدلال کرد :

الف. استظهار از آیه کریمه

"المودة" به نظر برخی از لغت‌دانان، مصدر (11) و به نظر برخی از آنان، اسم مصدر است (12) و به معنای "محبت" (13) و "دوست داشتن" (14) آمده و برای بعضی از همخانواده‌های آن مانند "ودادة" و فعلی که از آن اشتقاق می‌شود، معنای تمنی و آرزوی چیزی را داشتن نیز ذکر شده است. (15)

به نظر می‌رسد به لحاظ آن که در متعلق این آیه کریمه، "فی" وجود دارد، اسم مصدر و به معنای محبت و دوستی است و الف و لام آن نیز الف و لام جنس است؛ زیرا اصل در الف و لام، جنس بودن است، مگر این‌که قرینه‌ای بر

خلاف آن باشد که در این جا وجود ندارد.

کلمه "فی" از حروف جاره است و معانی متعددی همچون ظرفیت، مصاحبت، استعلا، تعلیل، معنای باء، معنای "الی"، معنای "من"، مقایسه، تعویض و تاکید برای آن ذکر شده. (16)

البته معنای غالب آن ظرفیت است، ولی ممکن است به لحاظ مناسبت متعلق و مدخول آن گفته شود: در این جا، به معنای مصاحبت یا "الی" است، ولی با توجه به آنچه زمخشری در این مورد اظهار داشته بعید نیست که در این جا نیز به همان معنای ظرفیت باشد، وی می گوید: اگر بگوییم چرا گفته نشده است: "الا مودة القربی" یا "الا المودة للقربی" و معنای "الا المودة فی القربی" چیست، می گویم: آنان مکان برای مودت و مقری برای آن قرار داده شده اند؛ مثل این که بگوییم: "لی فی آل فلان مودة"؛ برای من در فلان خانواده مودتی است. باز در توضیح گفته است: "فی" مانند لام در "المودة للقربی" متعلق به مودت نیست، متعلق به محذوف است و تقدیر آن "الا المودة ثابتة فی القربی و متمكنة فیها" است؛ (17) یعنی جز آن که درخواست می کنم مودتی را که ثابت در نزدیکی من و مکان یافته در آن ها باشد.

فیومی در مصباح، "قربى" و "قربة" و "قرايت" و "قرب" را مصدر "قرب" دانسته است و سپس در بیان فرق این کلمات می گوید: قرب در مورد مکان گفته می شود و قربت در مورد منزلت و "قربى" و "قرايت" در مورد رحم و خویشاوند به کار می رود (18) و در جمهره نیز "قرب شخص" به نزدیک وی از لحاظ نسب مادری یا پدری معنا شده است (19) و در منتهی الارب نیز به "نزدیک" و "خویش" ترجمه گردیده است. (20)

از آنچه نقل شد، نتیجه گرفته می شود که "قربى" مصدر است و به معنای نزدیکی در نسب و رحم می باشد. پس در صورتی که به معنای خویشاوند و شخص نزدیک در نسب به کار رود، نیاز به تقدیر دارد و همچنین برای افاده معنای جمع - یعنی خویشاوندان و نزدیکان - نیاز به تقدیر پیشوندی مانند "اولو" دارد تا به کمک آن، معنای جمع را افاده نماید، ولی ابن منظور به نقل از تهذیب در جمع "قربى"، در مورد زنان، "قرايت" و در مورد مردان، "اقارب" را ذکر می کند و می گوید: اگر "قربى" گفته شود نیز جایز است. (21)

از این گفته، استفاده می شود که بدون تقدیر نیز ممکن است به معنای نزدیکان و خویشاوندان باشد، ولی چون معنایی است غیر مشهور، نیاز به قرینه دارد.

الف و لام در "القربى" نیز با قطع نظر از روایات، ظهور دارد که الف و لام جنس است، ولی با توجه به روایاتی که "القربى" را به افراد خاصی مخصوص می کند، ممکن است گفته شود: الف و لام آن عهد است و اشاره دارد به افرادی که بین خدای متعال و نبی اکرم صلی الله علیه و آله معهود و شناخته شده بوده اند و ما برای شناختن آن افراد باید به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و یا سخنان آن حضرت مراجعه نماییم. البته این در صورتی است که روایات بر اختصاص و انحصار "القربى" به افراد خاص دلالت داشته باشد و در غیر این صورت، منافاتی ندارد که الف و لام جنس باشد و آیه مطلق نزدیکان حضرت را شامل شود و روایات هم افراد برجسته ای از آنان را یادآور گردد.

در جمله ای که مشتمل بر استثنا باشد، فعل متعلق به آنچه پس از استثنا آمده همان فعلی است که پیش از آن وجود دارد، با این تفاوت که از نظر نفی و اثبات، عکس یکدیگرند. بنابراین، فعل متعلق به "المودة" همان فعل "اسالکم" است که در جمله مستثنا منه به صورت منفی آمده و به قرینه این که گوینده این کلام و درخواست کننده مودت، نبی اکرم صلی الله علیه و آله است، به مناسبت حکم و موضوع، استظهار می شود که مقصود از "القربى" خویشاوندان و نزدیکان آن حضرت است؛ زیرا مودت آنان مناسبت دارد که اجر تبلیغ آن حضرت قرار گیرد،

هرچند استثنا منقطع باشد و اجر، هم اجر مجازي باشد که نفعش به آن حضرت باز نگردد. اما مودت هر کس با خویشاوندان خود - که به اصطلاح، "صله رحم" نامیده می‌شود - مناسبتی ندارد که اجر تبلیغ آن حضرت قرار گیرد.

با بیان مزبور، آیه کریمه ظهور پیدا می‌کند در این که مورد درخواست، مودت به نزدیکان نسبی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باشد، اما این که مقصود مطلق نزدیکان نسبی آن حضرت است یا افراد خاصی از آنهاست، مطلبی است که پس از مراجعه به روایات، می‌توان درباره آن نظر داد. بلی، با قطع نظر از روایات اطلاق، آیه شریفه شامل همه خویشاوندان نزدیک آن حضرت می‌شود.

ب. روایات

روایات فراوانی از طریق شیعه و سنی در معنای این آیه کریمه و بیان مقصود از "القربی" در بسیاری از کتاب‌های حدیث و تفسیر وجود دارد که توجه به آن روایات هرگونه شبهه و تردیدی را نسبت به مفاد آیه کریمه برطرف می‌کند. مرحوم آیه الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی رحمه الله در تعلیقه بر کتاب احقاق الحق، از 46 نفر از بزرگان اهل سنت که روایات مربوط به این آیه کریمه را با سندهای متعدد در کتاب‌های خود آورده‌اند نام می‌برد. (22)

محدث خبیر، سید هاشم بحرانی رحمه الله، نیز در کتاب غایة المرام، هفده روایت از طریق عامه و 22 روایت از طریق خاصه در این مورد نقل کرده است. (23)

عالم بزرگ اهل تسنن، ابوالقاسم حاکم حسکانی، در کتاب شواهد التنزیل 22 روایت را در ذیل این آیه کریمه گردآورده است که 16 حدیث آن مناسب با معنای اول است؛ زیرا "القربی" را به خویشاوندان نبی اکرم صلی الله علیه و آله معنا و بر آن‌ها تطبیق داده است و در 7 حدیث به نام علی و فاطمه و حسن و حسین علیهما السلام تصریح شده (24) و در پاورقی آن نیز 25 روایت در این مورد ذکر گردیده است. در تفسیر نورالثقلین نیز 22 روایت از کتاب‌های خاصه جمع‌آوری شده است (25) که همه آن‌ها با مضامین گوناگون دلالت می‌کند بر این که مقصود از "القربی" اقربای نبی اکرم صلی الله علیه و آله است و معنای صحیح در تفسیر آیه کریمه، همان معنای اول است. اینک سه نمونه از این روایات ذکر می‌شود :

1. روایت ابن عباس : احمد بن حنبل با سند متصل از ابن عباس چنین روایت می‌کند : زمانی که "قل لا اسالکم علیه اجرا الا المودة فی القربی" نازل شد، گفتند : ای رسول خدا، قرابت "خویشان نزدیک" تو، که مودت آنان بر ما واجب شده است، چه کسانی هستند؟ فرمود : علی و فاطمه و پسرانشان. (26)

از این روایت به خوبی نمایان است که برای مسلمانان آن زمان معلوم بوده مقصود از "القربی" در این آیه کریمه، قرابت (خویشان نزدیک) نبی اکرم صلی الله علیه و آله است و سؤال آنان از تعیین افراد آن بوده است و از این که حضرت در پاسخ سؤال آنان در مقام بیان افرادی از خویشاوندان خود، که در این آیه منظورند، فقط همان چهار بزرگوار را نام می‌برد، معلوم می‌شود که در این آیه از خویشاوندان حضرت در آن زمان خصوص آن چهار نفر مراد بوده‌اند و به اصطلاح، روایت، به اطلاق مقامی دلالت می‌کند که جز آن چهار نفر هیچ یک از خویشاوندان حضرت که در آن زمان موجود بوده‌اند مشمول این آیه کریمه نبوده‌اند؛ زیرا اگر غیر از آنان شخص دیگری از افراد موجود در آن زمان مراد می‌بود، پیامبر صلی الله علیه و آله نام او را نیز ذکر می‌فرمود و با توجه به این بیان دلالت روایت بر

2. روایت اسماعیل بن عبد الخالق : شیخ کلینی رحمه الله با سند صحیح از اسماعیل بن عبد الخالق چنین روایت می‌کند : ابو عبدالله (امام جعفر صادق علیه السلام) در حالی که من می‌شنیدم، به ابو جعفر احوال فرمود : از بصره آمدم؟ گفت : بلی. . . فرمود : اهل بصره درباره آیه "قل لا اسالکم علیہ اجرا الا المودة فی القربی" چه می‌گویند؟ گفتم : فدایت شوم! آن‌ها می‌گویند که این آیه برای اقارب رسول خدا صلی الله علیه وآله است. فرمود : دروغ گفته‌اند؛ در خصوص ما اهل بیت (علی و فاطمه و حسن و حسین، اصحاب کساء علیهم السلام) نازل شده است. (27)

این روایت را حمیری در قرب الاسناد نیز بدون لفظ "خاصة" ذکر نموده است (28) و دلالت آن بر حصر از روایت پیشین آشکارتر است؛ زیرا با صراحت، شمول آیه از سایر اقارب نفی شده و تصریح به نام "اصحاب کساء" به دنبال ضمیر "نا" و کلمه "اهل بیت" مانع شمول آن دو کلمه نسبت به سایر امامان علیهم السلام است.

3. روایت عبدالله بن عجلان : محمد بن یعقوب کلینی رحمه الله با سند متصل از عبدالله بن عجلان روایت کرده است : ابو جعفر (امام محمد باقر علیه السلام) در مورد قول خدای تعالی (قل لا اسالکم علیہ اجرا الا المودة فی القربی) فرمود : ایشان همان امامان هستند. (29)

احمد بن محمد برقی رحمه الله در کتاب محاسن، این روایت را چنین آورده است : . . . ایشان همان امامانی هستند که صدقه نمی‌خورند و برای آنان حلال نیست. (30)

مقصود از امامان در این دو حدیث، امامان معصوم علیهم السلام هستند و این دو روایت با صراحت، تعمیم "القربی" به سایر امامان معصوم علیهم السلام را اثبات می‌کند. جمع بین این روایات و روایاتی که بر حصر "قربی" در چهار نفر (علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام) دلالت می‌کرد، به این صورت است که در زمان نزول آیه شریفه، خصوص آن چهار بزرگوار مصداق آیه کریمه بوده‌اند، ولی پس از آن آیه کریمه بر امامان دیگر نیز تطبیق و تاویل شده و - به اصطلاح - تنزیل آیه کریمه خصوص آن چهار نفر و تاویل آن سایر امامان معصوم علیهم السلام است.

به هر حال، از این روایات و سایر روایاتی که در این مورد وجود دارد، به خوبی استفاده می‌شود که مقصود از "القربی" در این آیه کریمه، امامان معصوم علیهم السلام است و مودت آنان بر همه مسلمانان واجب می‌باشد. بخاری و مسلم هر دو در صحیح خویش نقل کرده‌اند که سعید بن جبیر "القربی" را به قربای آل محمد صلی الله علیه وآله تفسیر و تاویل کرده است. (31)

در تفسیر ثعلبی و الفصول المهمه مالکی و المناقب ابن مغازلی نقل شده که ابن عباس در ذیل این آیه کریمه فرموده است : مودت برای آل محمد صلی الله علیه وآله است. (32)

مقصود از کلمه "آل" در کلام این دو مفسر نیز همان امامان معصوم علیهم السلام است؛ زیرا در غیر این صورت، کلام آنان مخالف با روایاتی است که دلالت بر اختصاص آیه کریمه به آنان دارد.

با توجه به این روایات، یقین حاصل می‌شود که معنای صحیح آیه کریمه همان وجه اول است که مفسران شیعه اختیار کرده‌اند و سایر وجوهی که در کتاب‌های تفسیر در معنای آیه کریمه ذکر شده همه ناصحیح است. برای تکمیل بحث، وجوه دیگر بررسی و نادرستی آن‌ها بیان می‌گردد :

نادرستی وجه دوم

معنایی که در وجه دوم از حسن بصري نقل کرده‌اند، با توجه به موارد ذیل بطلانش آشکار است و نمی‌توان آیه کریمه را بر آن حمل نمود :

1. "قرب" در لغت، به معنای نزدیکی در نسب است و استعمال آن به معنای "قرب به خدا" مخالف معنای لغوی آن است. فیومی در مصباح گفته است : "قرب" در مورد مکان گفته می‌شود و "قربت" در مورد منزلت و "قربی" و "قرابت" در مورد رحم به کار می‌رود. (33)

- در قرآن کریم نیز سیزده مورد کلمه "قربی" همراه با پیشوندهایی از قبیل "ذی" ، "ذوی" ، "اولوا" در مورد خویشاوندان و نزدیکان نسبی به کار رفته (34) و در مورد نزدیکی و تقرب به خدا هیچ استعمال نشده است. در مورد تقرب و نزدیکی به خدا، کلمه "قربة" و "قربات" ، که جمع آن است، به کار رفته (35) و اگر در این آیه نیز مقصود، تقرب و نزدیکی به خدا می‌بود، کلمه "قربة" با "قربات" به کار می‌رفت.
2. در صورتی که "قربی" به معنای تقرب باشد، "مودت" نیز باید به معنای مصدري باشد تا به دوست داشتن تقرب به خدا معنا شود و در این صورت، وجه مناسبی برای کلمه "فی" وجود ندارد؛ زیرا برای بیان دوست داشتن تقرب در زبان عربی به حرف ربط "فی" نیازی نیست و دوست داشتن در تقرب به خدا نیز معنای مناسبی نخواهد بود، مگر این‌که گفته شود : منظور دوست داشتن یکدیگر است در تقرب به خدا و انجام اعمالی که موجب قرب به خداست. این معنا را هرچند بعضی گفته‌اند، ولی مناسب با کلمه مودت نیست و در این صورت، می‌بایست کلمه "التواد" به کار می‌رفت.
3. دلیل دیگر بر نادرستی این تفسیر وجود روایات فراوانی است که در معنای "قربی" و تفسیر آن به "آل محمد" و به خصوص حضرت علی و حضرت فاطمه و امام حسن و امام حسین علیهم السلام از طریق عامه و خاصه نقل شده است.

نادرستی وجه سوم

- معنایی که در وجه سوم برای آیه کریمه بیان گردیده است و به ضحاک و مجاهد و سدی و برخی دیگر نسبت داده شده عبارت است از این‌که پیامبر صلی الله علیه وآله به مشرکان بفرماید : من بر تبلیغ خود مزدی از شما درخواست نمی‌کنم، جز این‌که مرا به سبب قرابتی که بین من و شما هست، دوست‌بدارید و این معنا از جهاتی مرجوح، بلکه غیرقابل قبول است :
1. طبق این معنا مخاطب در آیه کریمه، خصوص مشرکان قریش و کسانی هستند که یک نحوه قرابت نسبی با نبی اکرم صلی الله علیه وآله دارند، در صورتی که این مطلب خلاف ظاهر خطاب عام آیه کریمه و تخصیص بلامخصص است؛ زیرا شان نزول و روایتی که در تایید این معنا ذکر شده مستند معتبری ندارد.
2. بنابراین معنا، کلمه "فی" باید به معنای سببیت و تعلیل باشد و این نیز مجاز و خلاف ظاهر است و نیاز به دلیل و قرینه دارد و قرینه و دلیل معتبری بر آن وجود ندارد.
3. در فرضی که مشرکان ایمان نیاورده‌اند و دعوت و تبلیغ پیامبر صلی الله علیه وآله را نه تنها خیری برای خود به شمار نمی‌آورند، بلکه آن را شر می‌پندارند و وجود مبارک آن حضرت را مزاحم خود تلقی می‌کنند، مناسبتی ندارد که حضرت بفرماید : "لا اسالکم علیه اجرا" ؛ از شما پاداش نمی‌خواهم، طرح این مطلب در جایی مناسبت دارد که عملی از سوی درخواست کننده به نفع مخاطبان انجام گرفته باشد، مخاطبان هم آن را قبول داشته باشند. در

غیر این صورت، طرح این کلام با تمسخر و استهزای مخاطبان مواجه می‌شود و با لحنی خنده‌آمیز خواهند گفت :
مگر بنا بوده ما اجر و مزدی به تو بدهیم! تو چه کرده‌ای که استحقاق مزد داشته باشی؟!
4. درخواست مودت از مشرکانی که به حضرت کافرند، هرچند به لحاظ قرابت باشد، امری است غیرمعقول و حاکی از ضعف و ذلتی برای درخواست کننده که ساحت مقدس نبی اکرم صلی الله علیه و آله اجل و اشرف از آن است.
5. این معنا با روایات فراوانی که در معنای "قربی" و در شان نزول آیه کریمه در کتب عامه و خاصه وجود دارد، ناسازگار است.

نادرستی وجه چهارم

همان گونه که بیان شد. ظاهر عبارت میباید آن است که وی هر سه معنا را برای آیه کریمه صحیح می‌داند و این نظر علاوه بر اشکالاتی که در ابطال معنای دوم و سوم بیان شد، اشکال دیگری را به خود متوجه می‌سازد و آن این که چگونه ممکن است هر سه معنا از آیه کریمه اراده شود و حال آن که بین آن‌ها مابینت کامل وجود دارد؟
بلی، اگر هر سه از مصادیق یک معنای عام و جزئیات یک معنای کلی بودند، دلالت آیه بر هر سه معنا ممکن بود، ولی چنین نیست؛ بنابر معنای اول، مراد از "قربی" اقربا و نزدیکان خاص نبی اکرم صلی الله علیه و آله است و کلمه "قربی" یا با تقدیر پیشوند "اولوا" و "ذوی" و یا به لحاظ این که جمع قریب است به معنای وصفی استعمال شده و بنابر معنای دوم "قربی" به معنای تقرب و نزدیک شدن به خداست و به معنای مصدری می‌باشد و بنابر معنای سوم، به معنای قرابت و خویشاوندی مشرکان با نبی اکرم و به معنای مصدری یا اسم مصدری است و این سه معنا کاملاً باهم مابینت دارند و اراده هر سه معنا از کلمه "قربی" مستلزم استعمال لفظ در بیش از یک معنا می‌باشد که بنابر بعضی از مبانی، غیرممکن و بنابر بعضی از مبانی، غیر متعارف است. همچنین مراد از "مودت" در معنای اول، دوستی مسلمانان با اقبای ویژه نبی اکرم صلی الله علیه و آله و در معنای دوم، دوست داشتن قرب به خدا یا اعمال موجب قرب به خدا و در معنای سوم، دوستی مشرکان با نبی اکرم صلی الله علیه و آله است و از این نظر نیز جمع بین این سه معنا ممکن نیست.

نادرستی وجه پنجم

در این وجه، "المودة فی القربی" به دوستی مؤمنان با یکدیگر و ارتباط نیکو داشتن با خویشاوندانشان معنا می‌شود. این معنا اولاً، با ظاهر آیه کریمه، که درخواست کننده، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سخن از اجر تبلیغ اوست سازگاری ندارد. مناسبت حکم و موضوع اقتضا می‌کند که منظور از "قربی" خویشاوندان و نزدیکان پیامبر صلی الله علیه و آله باشد؛ زیرا مودت آنان است که مناسبت دارد اجر تبلیغ آن حضرت قرار گیرد، نه مودت هر کسی با خویشاوندان خود که "صله رحم" نامیده می‌شود.
ثانیاً با روایاتی که "قربی" را به خویشان نزدیک پیامبر صلی الله علیه و آله (علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام) تفسیر کرده ناسازگار است.

نادرستی وجه ششم

وجه ششم (جز این که با عمل صالح و اطاعت‌ها به خدا تقرب بجوید) نیز معنایی کاملاً بیگانه از لفظ آیه کریمه (الا المودة فی القربی) است؛ کلمه "المودة"، که در لفظ آیه ذکر شده، در این معنا، نادیده گرفته شده "قربی" در

این وجه، به "تقرب" معنا شده و حال آن که نه در لغت چنین معنایی برای آن بیان شده و نه در قرآن کریم در چنین معنایی به کار رفته است. در این معنا، کلمات عمل صالح، اطاعت‌ها، به خدا وجود دارد و حال آن که هیچ کدام در لفظ آیه نیست. آنچه در این وجه ذکر شده، معنای "الا ان تتقربوا الي الله بالطاعات و العمل الصالح" است، نه معنای "الا المودة في القربي". افزون بر بیگانه بودن از لفظ آیه، این وجه با روایات تفسیر کننده "قربی" نیز مخالفت دارد.

بنابراین، حق همان معنایی است که در وجه اول بیان شد؛ زیرا تنها این معناست که با ظاهر آیه کریمه و روایات مفسر آن موافق است و این، معنایی است که تمام مفسران شیعه و جماعتی از مفسران اهل تسنن نیز آن را صحیح دانسته‌اند.

طبق این معنا، مودت علی، فاطمه و حسن و حسین و سایر امامان معصوم علیهم السلام بر همه مؤمنان واجب است؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله به فرمان خدای متعال، آن را به عنوان اجر تبلیغ و رسالت خویش مطالبه نموده. البته با توجه به آیه "قل ما سالتکم من اجر فهو لکم" (سباء : 47) (بگو آن مزدی را که از شما خواسته‌ام به نفع خود شماست) و آیه "قل ما اسالکم علیه من اجرا الا من شاء ان يتخذ الي ربه سبيلا" (فرقان : 57) (بگو بر این [تبلیغ] مزدی نمی‌خواهم، مگر از کسی که بخواهد راهی به سوی پروردگارش در پیش گیرد)، معلوم می‌شود که اولاً، در این درخواست اجر، نفع پیامبر صلی الله علیه و آله و خویشاوندان آن حضرت موردنظر نبوده نفع خود مؤمنان در آن بوده است. ثانیاً، این درخواست برای این بوده است که مؤمنان از راه خدا منحرف نشوند و مودت با خویشان ویژه پیامبر صلی الله علیه و آله آنان را از گمراهی بیمه کند؛ زیرا مودت با آنان موجب می‌شود که از راه آنان - که همان راه مستقیم است - جدا نشوند به عقاید آنان معتقد شوند و از اخلاق و رفتار آنان پیروی نمایند.

این بیان نیز دلیل دیگری است بر این که در این آیه، مطلق خویشاوندان پیامبر صلی الله علیه و آله مراد نیست، خویشاوندان معصوم آن حضرت مراد است؛ زیرا مودت با خویشاوندان معصوم آن حضرت است که افراد را از گمراهی بیمه می‌کند و از انحراف مصون می‌دارد و بر این اساس، عصمت افرادی که در روایات از مصادیق این آیه به شمار آمده‌اند نیز ثابت می‌شود.

پی نوشت ها :

- 1- حسن بن یوسف بن علی بن مطهر حلی رحمه الله، متوفای 726
- 2- حسن بن یوسف حلی، نهج الحق و کشف الصدق، مؤسسة دارالهجرة، 1407 ق، ص 175
- 3- شیخ طوسی فرموده است : "فقال علي بن الحسين عليه السلام و سعيد بن جبیر و عمرو بن شعيب معناه "ان تودوا قرابتي" و هوالمروي عن ابي جعفر و ابي عبدالله عليهما السلام" و پس از ذکر دو وجه دیگر در معنای آن فرموده است : "والاول هوالاختیار عندنا و عليه اصحابنا." (التبيان في تفسير القرآن، ج 9، ص 158 و 159)
- آلوسی، یکی از مفسران معروف اهل تسنن، گفته است : "و ذهب جماعة الي ان المعني لا اطلب منكم اجرا لا محبتکم اهل بيتي و قرابتي و في البحر (البحرالمحيط في التفسير) انه قول ابن جبیر و السدي و عمرو بن شعيب" (روح المعاني، ج 25، ص 31) ابوحیان اندلسی پس از ذکر این معنا، گفته است : علي بن حسين بن علي بن ابي طالب این معنا را فرموده و در هنگام اسیری به شام به این آیه استشهاد کرده است و این، سخن ابن جبیر،

سدي و عمرو بن شعيب است. (البحرالمحيط في التفسير، ج 9، ص 334 و 335) ابوالفتوح رازي گفته است :
عبدالله بن عباس و سعيد بن جبیر و عمرو بن شعيب و ابو جعفر و ابو عبدالله عليهما السلام گفتند : معنا آن است
که من از شما هیچ مزد طمع ندارم، الا آن که اهل البيت و خویشان مرا دوست دارید. (روح الجنان و روح الجنان ج
10 ص 48) ؛

4- 5- ر. ک. به : البحرالمحيط في التفسير/روح المعاني/روح الجنان و روح الجنان/التبيان في تفسير القرآن.

6- ر. ک. به : ابوالفضل رشيدالدين ميدي، كشف الاسرار، ج 9، ص 23 و 24

7- ر. ک. به : التبيان في تفسير القرآن

8- ر. ک. به : البحرالمحيط في التفسير/روح المعاني

9- ر. ک. به : التبيان في تفسير القرآن

10- روح المعاني

11- خليل بن احمد فراهيدي، العين، ج 8، ص 99/عبدالرحيم صفي پور، منتهي الارب، ج 4، ص 1305

12- احمد بن محمد فيومي، المصباح المنير، ص 653/محمد ابن منظور، لسان العرب، ج 3، ص 453

13- احمد ابن فارس، مقاييس اللغة، ج 6، ص 75، العين/المصباح المنير

14- منتهي الارب

15- مقاييس اللغة، ج 6، ص 75/مفردات راغب، ص 516

16- ر. ک. به : احمد معصومي، مهذب مغني اللبيب، ص 99

17- محمود زمخشري، الكشف، ج 4، ص 219

18- فيومي، پيشين، ص 49

19- محمد بن دريد، جمهرة اللغة، ج 1، ص 324

20- صفي پور، پيشين

21- ابن منظور، پيشين، ج 11، ص 84

22- آن افراد نامبردگان ذيل مي باشند :

1. احمد بن حنبل (متوفاي 241) در فضائل الصحابه؛ 2. بخاري (متوفاي 253 يا 256) در صحيح؛ 3. محمد بن جرير طبري (متوفاي 310) در تفسير ش، ج؛ 4. حاكم نيشابوري (متوفاي 405) در مستدرک؛ 5. زمخشري (متوفاي 528) در كشف؛ 6. خوارزمي (متوفاي 568) در مقتل الحسين عليه السلام؛ 7. ابن اثير (متوفاي 606) در جامع الاصول؛ 8. فخر رازي (متوفاي 606) در تفسير ش؛ 9. ابن بطريق (متوفاي قرن ششم) در العمد؛ 10. محمد بن طلحه شافعي (متوفاي 654) در كتاب مطالب السؤل؛ 11. محمد بن يوسف گنجي در كفاية الطالب؛ 12. بيضاوي (متوفاي 683) در تفسير ش؛ 13. محب الدين طبري (م 694) در ذخائرالعقبى؛ 14. علامه نسفي (م 701) در تفسير ش؛ 15. حموي (م 722) بنابر نقل كفاية الخصام؛ 16. صاحب مناقب فاخره؛ 17. نظام الدين قمي نيشابوري (م 728) در تفسير ش؛ 18. ابوحيان (م 724) در بحرالمحيط؛ 19. ابن كثير (م 774) دمشقي در تفسير ش؛ 20. هيتمي (متوفاي 807) در مجمع الزوائد؛ 21. علاءالدين كوكني (متوفاي 835) در تفسير ش و تبصيرالرحمن؛ 22. ابن حجر عسقلاني (متوفاي 835) در الكاف الشاف؛ 23. ابن صباغ مالكي در فصول المهمه؛ 24. سيوطي (متوفاي 911) در الدر المنثور؛ و الاكليل، و احياء الميت؛ 25. غياث الدين خواندمير (متوفاي 942) در حبيب السير؛ 26. ابن حجر هيتمي (متوفاي 974) در الصواعق المحرقة؛ 27. خطيب شرييني (متوفاي 977) در

- تفسیر سراج المنیر؛ 28. العلامة البرکوی (متوفای 981) در شرح اربعین حدیث؛ 29. میر محمد صالح کشفی در مناقب مرتضوی؛ 30. حمیدبن احمد محلی در حدائق الوردیه؛ 31. مولی حسین کاشفی در روضة الشهداء و در مواهب؛ 32. محمدبن عامر شبرای (متوفای 1172) در الاتحاف؛ 33. شیخ محمدصبا (متوفای 1206) در اسعاف الراغبین؛ 34. شوکانی (متوفای 1250) در فتح القدر؛ 35. سید محمود آلوسی (متوفای 1270) در روح المعانی؛ 36. صاحب کتاب ارجح المطالب، ص 62؛ 37. شیخ سلیمان قندوزی در ینابیع المودة؛ 38. جمال الدین برزندی بنابر آنچه که در فلک النجاة است؛ 39. طبرانی؛ 40. ابن ابی حاتم در تفسیرش؛ 41. حاکم در مناقب؛ 42. واحدی نیشابوری در الوسیط؛ 43. الحقانی 44. شبلنجی در نورالابصار؛ 45. علامه سید صدیق حسن خان در هدایة السائل فی ادلة المسائل؛ 46. شهاب الدین حسینی الشافعی حصرمی در رشفة الصادی؛ 47. محمد محمود حجازی در تفسیر الواضح؛ 48. عبدالکافی حسینی تونسی در سیف المسلول؛ 49. علامه علوی در کتاب قول المفصل؛ (ر. ک. به : نورالله شوشتری، احقاق الحق، ج 3، ص 2-18)
23. سیدهاشم بحرانی، غایة المرام، ط قدیم، ص 306-310
- 24- عبیدالله بن عبدالله حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، ج 2، ص 189-196، حدیث 822 تا 828 و احادیث 835 و 836 و 837 و 838 و 840 و 841 و 842 و 843 و 844 نیز مناسب با معنای اول است.
- 25- عبدعلی بن جمعه حویزی، نورالثقلین، ج 4، ص 570 تا 578، احادیث 59، 61، 62، 63، 64، 65، 66، 67، 68، 69، 70، 71، 72، 73، 74، 75، 76، 77، 78، 79، 80، 81، 82، 83، 84، 85
- 26- غایة المرام، ط قدیم، ص 306 حدیث اول به نقل از : مسند احمد بن حنبل؛ این روایت در تفسیر ثعلبی، فرائد السمطین حموی، حلیة الابرار ابونعیم، الفصول المهمة مالکی، والمناقب المفاخرة فی العترة الطاهرة از کتابهای اهل تسنن و مجمع البیان طبرسی رحمه الله نیز با اندک تفاوت لفظی نقل شده است. ر. ک. به : غایة المرام، ص 306 حدیث چهارم و ص 307 حدیث دهم و سیزدهم و چهاردهم و هفدهم و ص 310 حدیث نوزدهم.
- 27- محمدبن یعقوب کلینی، روضه کافی، ترجمه رسولی محلاتی، ص 134، حدیث 66
- 28- غایة المرام، ص 307، حدیث 3 به نقل از قرب الاسناد
- 29- غایة المرام، ص 307، حدیث اول
- 30- غایة المرام، ص 309، حدیث 13 به نقل از المحاسن برقی
- 31- محمدبن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، ج 6، ص 37/غایة المرام، ص 306، حدیث 2 به نقل از صحیح بخاری و صحیح مسلم/تفسیر طبری، ج 25، ص 16/الدرالمنثور، ج 6، ص 5
- 32- غایة المرام، ص 306، حدیث 6، ص 307، حدیث 15 و 16 به نقل از تفسیر ثعلبی، فصول المهمة مالکی، المناقب ابن مغازلی
- 33- المصباح المنیر، ص 653
- 34- سوره های بقره : 83 و 177؛ نساء : 8 و 36؛ مائده : 106؛ انعام : 152؛ توبه : 113؛ نحل : 90؛ اسراء : 26؛ نور : 22؛ روم : 38؛ فاطر : 18؛ حشر : 7
- 35- توبه : 99